

برنامه‌ریزی راهبردی توسعه اقتصادی با رویکرد مشارکتی مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان لنگه

سیدعلی بدری* - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
مرتضی نعمتی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
پذیرش مقاله: ۸۷/۳/۸ تأیید نهایی: ۸۸/۲/۲۳

چکیده

توسعه مشارکتی، رویکرد مورد تأکید برنامه‌ریزان در مسیر برنامه‌ریزی «با مردم و برای مردم» است. «برنامه‌ریزی راهبردی» نیز از مناسب‌ترین شیوه‌ها برای دستیابی به اهداف و چشم‌اندازهای ترسیم‌شده در دیدگاه‌های آینده‌نگر به‌شمار می‌آید. در نوشتار حاضر با توجه به هدف‌گذاری‌های صورت‌گرفته برای ارتقای سطح اقتصادی اجتماع محلی در بخش مرکزی شهرستان لنگه در افق ۱۰ ساله، رویکرد توسعه محلی و مشارکتی در چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی با تکیه بر مدل تجزیه و تحلیل SWOT، مبنا قرار گرفته است. بر این اساس، با تشکیل هسته‌های مشارکتی (FGD) در چهار دهستان طی مدت ۱۰ ماه، تلاش شد تا از تمامی امکانات و قابلیت‌های منطقه در زمینه‌های مختلف سازمانی و نهادی، فردی و اجتماعی بر مبنای برنامه‌ریزی راهبردی به‌نحوی مطلوب استفاده شود. در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر، ضمن ارائه راهبردهای مناسب برای تحقق چشم‌انداز توسعه در محدوده مورد مطالعه، نشان می‌دهد که اهداف موردنظر از طریق تعریف پروژه‌های تولیدی دست‌یافتنی و تحقق‌پذیر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: پژوهش مشارکتی، برنامه‌ریزی راهبردی، چشم‌انداز، مدل SWOT، مناطق روستایی شهرستان لنگه.

مقدمه

دستیابی به رفاه و توسعه هدفی است که تمامی شیوه‌های برنامه‌ریزی در جست‌وجوی آن هستند. در واقع وجه اشتراک انواع برنامه‌ریزی در همین نکته است و وجه افتراق آنها در ماهیت و ابزارهایی است که برای رسیدن به رفاه و توسعه به کار می‌برند. به همین دلیل برخی روش‌های برنامه‌ریزی به صورت بلندمدت و برخی کوتاه‌مدت‌اند و برخی نیز موفقیت‌چندانی به دست نمی‌آورند. امروزه متناسب با تغییرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نگرش متفاوتی به مقوله برنامه‌ریزی ایجاد شده است. در برنامه‌ریزی روستایی نیز این تغییر نگرش چشمگیر بوده است، تا جایی که روش‌های اوزالیدی و از بالا به پایین جای خود را به روش‌های مشارکتی داده‌اند (صرافی، ۱۳۷۷، ۱۳).

* E-mail: sabadri@ut.ac.ir

از پیشروترین شیوه‌های برنامه‌ریزی که در سال‌های اخیر در علوم انسانی رواج یافته، «برنامه‌ریزی راهبردی» است. «مشخصه‌های اصلی برنامه‌ریزی راهبردی در سطح اجتماع محلی، معطوف به شناخت نقاط قوت و ضعف و مخاطرات به‌منظور دستیابی به موضوعات محوری و تعیین اهداف و مقاصد است. رسیدن به اهداف موردنظر در برنامه‌ریزی راهبردی مستلزم طی کردن چندین مرحله است. مراحل اصلی برنامه‌ریزی راهبردی در اجتماع محلی را می‌توان در هفت بخش دسته‌بندی کرد: (۱) کاوش در محیط زیست؛ (۲) انتخاب موضوعات محوری (۳) تدوین اهداف کلان؛ (۴) تحلیل عوامل درونی و بیرونی؛ (۵) تدقیق اهداف و راهبردها در هر زمینه؛ (۶) تدوین برنامه اجرایی؛ و (۷) مراقبت، اصلاح و پی‌گیری (زیاری، ۱۳۸۳، ۲۳۵). «هدف نهایی در برنامه‌ریزی راهبردی آن است که نتایج راهبردها را در سازگاری مناسب با عوامل داخلی و خارجی توسعه دهد» (Kurttila, 2000, 42).

پژوهش حاضر با استفاده از روش «برنامه‌ریزی راهبردی» سعی دارد تا راهبردهایی کاربردی را برای توسعه اقتصادی بخش مرکزی بندر لنگه در افق سال ۱۳۹۵ استخراج کند. بر این اساس با توجه به قابلیت‌های طبیعی و خدادادی و با بهره‌گیری از مشارکت اهالی روستاها، چشم‌انداز توسعه اقتصادی منطقه مبتنی بر استفاده مطلوب از این منابع در مسیر اهداف توسعه پایدار تبیین گردید و تلاش شد تا مزیت‌های نسبی منطقه در هر یک از بخش‌های مختلف اقتصادی شناسایی شود و با بهره‌گیری از ابزار و روش‌های جدید به نحو مطلوب از این امکانات استفاده شود.

مبانی نظریه‌ای پژوهش

با وجود قدمت مشارکت در میان جوامع انسانی و عمل به آن، واژه‌های مشارکت و مشارکتی برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ مطرح گردید، ولی در عرصه توسعه روستایی با تأخیر مورد استفاده قرار گرفته است. کاربرد واژه مشارکت در توسعه روستایی موضوعی است که نقطه آغاز آن به دهه‌های ۱۹۷۰ و شاید به ۱۹۸۰ برمی‌گردد (مطیعی لنگرودی نقل از عفتی، ۱۳۸۲، ۸۳). علت توجه روزافزون به رویکردهای مشارکتی توسعه از دهه ۱۹۷۰ به بعد را می‌توان در کاستی‌های موجود در رهیافت‌های به‌کاررفته قبلی در زمینه توسعه و پیامدهای منفی آن جست‌وجو کرد (عابدی سروستانی، ۱۳۸۵، ۱۴۳).

امروزه با جایگزینی «انسان‌محوری» به جای «فن‌محوری» در اندیشه توسعه، مرزبندی جدیدی به نام الگوواره (پارادایم) قدیم و جدید به‌وجود آمده است که توسعه مشارکتی را می‌توان در قالب پارادایم جدید تعریف کرد (شریعتی، ۱۳۸۳، ۳۴۰). در الگوواره قدیم، مردم دریافت‌کنندگان توسعه به‌شمار می‌آمدند. چنین رهیافتی از توسعه هرچند هم که دلسوزانه و با صحت فنی همراه باشد، عملاً به کنار ماندن مردم از جریان توسعه و ناتوانمندی‌ساز جوامع می‌انجامد (همان، ۳۴۱، نقل از صرافی).

اگر مشارکت به معنای رشد توانایی‌های اساسی بشر - از جمله شأن و منزلت انسانی - و مسؤل ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل به‌نحوی سنجیده و از روی فکر در نظر گرفته شود (حامد مقدم، ۱۳۷۳، ۲۸۸)، وسیله‌ای خواهد بود تا مردم به کمک آن و بدون اتکای جدی به نهادهای رسمی بتوانند بر مشکلات‌شان فایق آیند، یعنی خوداتکا شوند و نیازهای اساسی‌شان را رفع کنند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱، ۱۱۹). با چنین رویکردی، برنامه‌ریزان در نقش تسهیل‌گر ظاهر می‌شوند و جوامع روستایی را به‌منظور انجام روند توسعه یاری می‌دهند. به عبارتی، این نوع از

برنامه‌ریزی «با مردم و برای مردم» انجام می‌شود (دیاس و ویکرامانایاک، ۱۳۶۸، ۹۴). غایت و آرمان برنامه‌ریزی توسعه، از «برای مردم» به سوی «با مردم» و در نهایت «به دست مردم» است (صرافی، ۱۳۷۷، ۱۷۷).

مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن، یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین دلیل از دیدگاه جامعه‌شناسی، باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمایز قائل شد (توسلی، ۱۳۸۲، ۶۶).

همگان بر این نکته اذعان دارند که مشارکت فصلی از توسعه به‌شمار می‌آید، تا آنجا که گاه توسعه را معادل مشارکت می‌دانند (طالب، ۱۳۷۴، ۴) و از این‌روست که هیچ نوع توسعه روستایی تحقق نخواهد یافت، مگر آنکه مردم تشویق شوند تا سطح زندگی‌شان را ارتقا دهند (دیاس و ویکرامانایاک، ۱۳۶۸، ۹۴).

دو دیدگاه فکری و عملی در مورد مشارکت وجود دارد. در اولین دیدگاه، مشارکت به‌منزله ابزاری برای افزایش کارایی قلمداد می‌شود. در دومین دیدگاه، مشارکت به‌عنوان حق اساسی تلقی شده و هدف از آن آغاز بسیج برای فعالیت دسته‌جمعی، کسب قدرت و تشکیل نهاد یا سازمان است (عابدی سروستانی، ۱۳۸۵، ۳۲ به نقل از Pretty). این درحالی است که در توسعه روستایی مفهوم مشارکت فراگیرتر از جنبه‌های سیاسی آن است، چرا که اقدامات و ابتکارات مردم برای دستیابی به خودتکایی در چارچوب جمعی، از تصمیم‌گیری و اقدام مشارکتی به عمل درمی‌آید (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۸۲). درواقع این راهبرد با پذیرش ساختار موجود در جامعه روستایی، سعی دارد تا از طریق دادن اختیار به اجتماعات محلی، بدون آنکه به تحولات انقلابی نیاز باشد، به اصلاحات محدود جامعه روستایی و بهبود کیفیت زندگی در سطح این جامعه بپردازد (جمعه‌پور، ۱۳۸۴، ۷۵).

«دانیل لرنر»^۱ در مطالعات خود در شش کشور خاورمیانه (مصر، لبنان، سوریه، اردن، ترکیه و ایران) به ارتباط مشارکت با متغیرهای اجتماعی و معیشتی محل سکونت، میزان تحصیلات، جایگاه اجتماعی و اقتصادی، سن، مذهب و میزان استفاده از رسانه‌ها پی‌برد (قاسمی، ۱۳۸۴، ۸۲). مشارکت‌های اجتماعی در جامعه ایران در قالب دگرپاری، همیاری و خودیاری قابل تقسیم‌بندی است (ازکیا و همکار، ۱۳۸۴، ۱۲۰).

«مظفر صرافی» راهبرد جدید توسعه روستایی در ایران را مبتنی بر پایه مفهوم مشارکت تعریف کرده و معتقد است: «برای بسیج منابع اجتماعی نهفته، راهبرد جدید باید مشارکت‌جو باشد و به طرح فرایند اجتماعی در برابر فرآورده‌های اقتصادی اولویت دهد؛ که لازمه آن محوریت محیط مردم‌سالار و ارزش‌مدار است (صرافی، ۱۳۸۳، ۹۳). با وجود این، در بحث برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران توجه به دو نکته ضروری است: اول پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های خاص برنامه‌ریزی مشارکتی با روستاییان و ایجاد ارتباط با آنها، و دوم، توانمندسازی آنها در برنامه‌ریزی مشارکتی که به‌رغم پیچیدگی آن امری دست‌یافتنی است (طهماسبی و همکار، ۱۳۸۳، ۱۸۸).

در مجموع پس از مجموعه‌ای تناوبی از مراحل توسعه بالا به پایین و پایین به بالا، نوعی اختلاط عناصر عمده هر دو راهبرد ضروری تشخیص داده شده و بر یکپارچگی و ترکیب راهبردهای بالا به پایین و پایین به بالا تأکید شده است.

به عبارتی، توسعه محلی و مشارکتی موفق، به تکرار ضربه‌های توسعه از بالا به پایین و برعکس بستگی دارد (شریعتی، ۱۳۸۳، ۳۴۲، نقل از میسرا).

در این زمینه، پژوهش مشارکتی روشی برای جمع‌آوری اطلاعات ارائه می‌دهد که دو سویه است، به این معنی که هم از سوی پژوهشگر به موضوع و هم از جانب موضوع به سوی پژوهشگر، جمع‌آوری اطلاعات به شکل متقابل وجود دارد (فرشادگر، ۱۳۸۰، ۱۳). در واقع پژوهشگر در زمان انجام این کار به صورت غیرمستقیم و به شکلی بسیار سازنده و مفید اجتماع محلی را نیز آموزش می‌دهد، چراکه معتقد است «توسعه بیش از همه به انگیزش و یادگیری نیازمند است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد (رضوانی، ۲۸۳، ۲۱۴). البته جریان جمع‌آوری اطلاعات باید به گونه‌ای باشد که در تطابق با خواسته شرکت‌کنندگان قرار گیرد (Berardi & Donnelly, 1999, 172).

بررسی و تحلیل مفاهیم پژوهش

برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک): برنامه‌ریزی راهبردی به عنوان علم و هنر صورت‌بندی، تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم در راستای تحقق اهداف مورد نظر (en. Wikipedia.org)، در واقع فرایندی است که مدیران به وسیله آن، وظیفه یا مأموریت اصلی سازمان را ترسیم می‌کنند و ابزاری را که برای رسیدن به این مأموریت لازم است، فراهم می‌سازند (مرادی حسینی، ۱۳۸۴، ۱۰).

از طرف دیگر، مدیریت راهبردی در جایگاه بالاترین سطح از فعالیت مدیریتی، می‌تواند به مثابه جمع‌بندی تصمیم‌گیری‌ها، برای تعریف فعالیت‌های بلندمدت سازمان در نظر گرفته شود (Yuksel & Dagdeviren, 2007, 3364). از این رو فرایند برنامه‌ریزی راهبردی عموماً به مثابه وسیله‌ای برای توسعه ناحیه‌ای و منطقه‌ای از سوی کاربران عمومی یا سیاست‌مداران به کار گرفته می‌شود (Terrados & Almonacid, 2007, 1276).

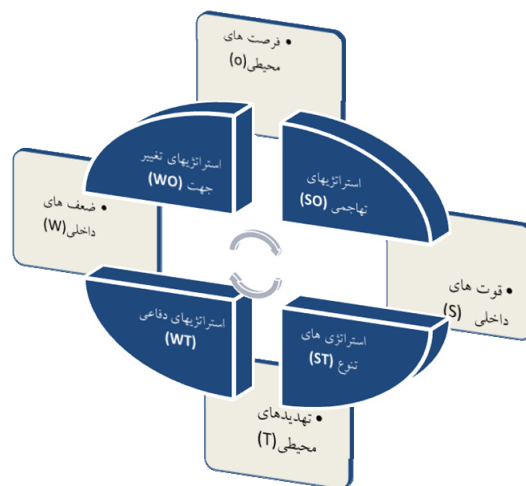
برنامه‌ریزی راهبردی، گونه‌ای از برنامه‌ریزی است که در آن هدف عبارت از تعریف و تدوین راهبردهاست. از آنجا که راهبرد می‌تواند عمری کوتاه یا بلند داشته باشد، برنامه‌ریزی راهبردی نیز می‌تواند برنامه‌ریزی بلندمدت یا کوتاهمدت باشد، اما متفاوت از آن است (زیاری، ۱۳۸۳، ۲۳۳). از آنجا که برنامه‌ریزی راهبردی، ارتباطات و مشارکت را سهولت بخشیده، علائق و ارزش‌های ناهمگرا را با یکدیگر همسو و منطبق کرده، و تصمیم‌گیری منظم و اجرای موفقیت‌آمیز را تشویق می‌کند (برایسون، ۱۳۷۲، ۳)، در واقع شیوه‌ای است نظام‌یافته برای تصمیم‌گیری و اجرای فعالیت‌ها در مسیر شکل‌دهی و رهنمود یک سامانه کارکرد و علل آن (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵، ۲۸۲).

برنامه‌ریزی راهبردی غالباً برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را با یکدیگر تلفیق می‌کند (شکل ۲)، از این رو می‌توان تصمیم‌گیرندگان را به عنوان برنامه‌ریزان راهبردی و برنامه‌ریزان راهبردی را به عنوان تسهیل‌کنندگان تصمیم‌گیری در سطوح و وظایف مختلف سازمان‌ها قلمداد و تصور کرد (برایسون، ۱۹۸۸، ۶۷).

نکته درخور توجه در این زمینه آن است که میان سیاست‌های راهبردی و فنی و تصمیم‌گیری راهبردی و فنی تفاوت وجود دارد. بنابراین، تغییرات موردنظر در یک شهر یا منطقه را که در یک سطح تعیین شده باشند، نمی‌توان با جزئیات به سطوح دیگری منعکس کرد (مرادی حسینی، ۱۳۸۱، ۲۳).

در برنامه‌ریزی راهبردی لازم است برای تدوین راهبردی نهایی، همه عوامل به مثابه بخشی از روند برنامه‌ریزی

راهبردی در چارچوب روش تجزیه و تحلیل SWOT در نظر گرفته شوند (Bernroider, 2002, 546). از این‌رو برنامه‌ریزی راهبردی یکی از راه‌های مهم حمایتی برای تصمیم‌گیری و استفاده‌های مشترک در تحلیل سیستماتیک عوامل داخلی و خارجی محیط به‌شمار می‌آید که با تعریف نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای سازمان می‌تواند راهبردهایی بسازد که مبنای آن استفاده از فرصت‌ها، از بین بردن ضعف‌ها و مقابله با تهدیدهاست (Yuksel & Dagdeviren, 2007, 3365). مدل مفهومی SWOT را می‌توان به‌صورت شکل ۱ تصویر کرد.



شکل ۱. مدل مفهومی شناخت شرایط راهبردی (SWOT)

منبع: نگارندگان

راهبرد یا استراتژی: «چندلر»^۱ از راهبرد به‌عنوان تعیین اهداف کلان و اجرایی عمده بلندمدت سازمان، اتخاذ مسیرهای عملیاتی، و تخصیص منابع ضروری برای دستیابی به آن اهداف یاد کرده است. از سوی دیگر «اندروز»^۲ راهبرد را به‌عنوان الگوی اهداف اجرایی عمده، مقاصد و اهداف تعریف کرده است. از نظر وی راهبرد تعیین می‌کند که سازمان کدام را انجام دهد. در همین زمینه «شندلر» و «هافر»^۳ راهبرد را فعالیت‌های تأمین‌کننده هماهنگی میان منابع داخلی و استعدادها سازمان یا فرصت و تهدیدهای محیط بیرونی تعبیر کرده است (مرادی حسینی، ۱۳۸۴، ۲ و ۳).

چشم‌انداز: یکی از مراحل برنامه‌ریزی راهبردی، تدوین چشم‌انداز است که از آن «به‌عنوان لذت‌بخش‌ترین مرحله مدیریت راهبردی» یاد می‌شود. «چشم‌انداز به‌منزله نیروی جلوبرنده سازمان و در راستای هدف بزرگ، دشوار و بلندپروازانه ۵-۱۰ ساله است و توصیف زنده‌ای از وضعیت سازمان در پایان دوره برنامه‌ریزی راهبردی است» (داوری، ۱۳۸۳، ۳۱).

به‌طور کلی، چشم‌انداز باید به آسانی قابل فهم و درک باشد. چشم‌انداز باید ویژگی‌هایی از این دست داشته باشد:

1. Chandler
2. Andrews
3. Shandler & Hofer

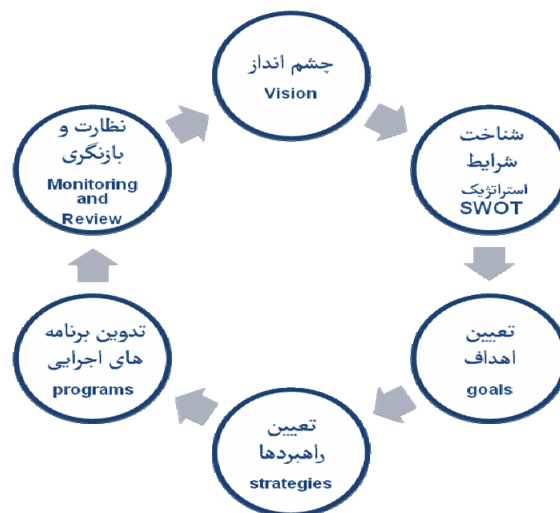
مبتنی بر مزیت‌ها، مبتنی بر نیازها^۲، مبتنی بر خواسته‌ها^۳، متمرکز، جذاب، قابل فهم و ساده، نیرودهنده و محرک خرد و احساسات باشد. با توجه به اینکه چشم‌انداز تصویری است که سازمان می‌خواهد در زمان مشخصی در آینده به آن دست یابد، قاعدتاً آن تصویر آینده باید برای جامعه جالب باشد، در کارکنان انگیزه لازم را برای دستیابی به آن فراهم آورد و به اغلب فعالیت‌های سازمان جهت دهد و آنها را کنترل کند (محب‌علی، ۱۳۷۲، ۶۲).

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر به‌عنوان مطالعه‌ای کاربردی با شیوه تحلیلی و توصیفی انجام پذیرفته است. این پژوهش مبتنی بر رویکرد مشارکتی است و در قالب الگوی برنامه‌ریزی راهبردی صورت گرفته است. به‌عبارتی مدل مطالعه حاضر براساس برنامه‌ریزی راهبردی و راهبرد انجام پژوهش مشارکتی است.

در این نوشتار ابتدا شناخت عمومی پایه از محدوده مطالعاتی و ویژگی‌های اقتصادی منطقه، در مرحله بعد تدوین و اولویت‌بندی توان‌ها و محدودیت‌های توسعه ظرفیت‌های محلی، در مرحله سوم تدوین چشم‌انداز و راهبردهای توسعه ظرفیت جامعه محلی و ارائه راهبرد نهایی یا راهبرد مداخله انجام شده، و در نهایت - پس از ترسیم اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت اقتصادی - برنامه‌ریزی و توسعه ظرفیت‌ها مدنظر قرار گرفت و برنامه‌های اجرایی پیشنهادی برای توسعه ظرفیت در عرصه منابع و سرمایه‌های اقتصادی تدوین شد.

شکل ۲ مدل مفهومی پژوهش را که بر مبنای برنامه‌ریزی راهبردی است، نشان می‌دهد:



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

منبع: نگارندگان

با افزایش آگاهی و استعداد افراد و تجهیز آنها به مهارت‌های جدید می‌توان اجتماع را در فرایند تجزیه و تحلیل و حل مسائل درگیر کرد. کسب این مهارت‌ها از طریق آگاه کردن افراد از پیشرفت هر مرحله از فرایند پژوهش انجام

1. Advantages
2. Needs
3. Demands

می‌گیرد (فرشادگهر، ۱۳۸۰، ۱۴). در این زمینه در نخستین مرحله پژوهش، تشکیل «هسته‌های مشارکتی» و برگزاری جلسات گروه‌های بحث در اولویت قرار گرفت. اعضای هر هسته که انتخاب آنها از طریق تعامل با فرمانداری و شورای بخش صورت پذیرفت، مرکب از برخی اعضای شوراهای دهیاران، معتمدان و مطلعان محلی بودند. پس از انجام هر مرحله از پژوهش و تدوین نتایج آن، هسته‌های مشارکتی به‌صورت جداگانه در دهستان‌های مذکور تشکیل شد و پس از تشریح نتایج هر مرحله، نظر آنها دریافت و در مراحل بعدی ارائه گردید.

وضعیت اقتصادی منطقه مطالعه شده

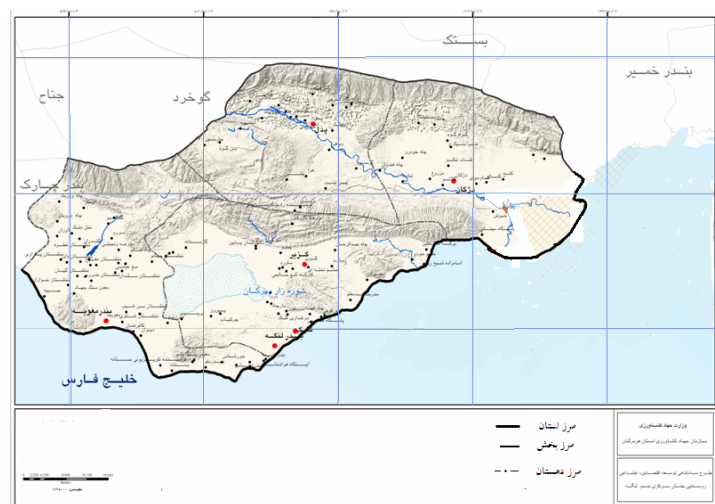
برای ارائه تصویری کلی از شرایط اقتصادی منطقه مورد مطالعه، خلاصه‌ای از وضعیت اقتصادی دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لنگه براساس اطلاعات موجود^۱ و نیز اطلاعات حاصل از پیمایش میدانی بیان خواهد شد.

جدول ۱. وضعیت جمعیتی دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بندر لنگه

نام دهستان	تعداد جمعیت	درصد
بخش مرکزی	۳۸۱۸۴	۱۰۰
دهستان حومه	۹۶۲۴	۲۵/۲
دهستان دژگان	۷۴۶۱	۱۹/۵
دهستان مغویه	۱۳۰۲۸	۳۴/۱
دهستان مهران	۸۰۷۱	۲۱/۱

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

شکل ۳ موقعیت بخش مرکزی شهرستان بندر لنگه و دهستان‌های آن را نشان می‌دهد.



شکل ۳. نقشه موقعیت بخش مرکزی شهرستان بندر لنگه و دهستان‌های آن

منبع: طرح ساماندهی اجتماعی و اقتصادی بخش مرکزی شهرستان بندر لنگه، ۱۳۸۵

۱. این بخش براساس اطلاعات سرشماری‌های آماری سال‌های مختلف به‌ویژه سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۸۲ و نیز اطلاعات دریافت شده از ادارات و سازمان‌های دولتی منطقه مانند جهاد کشاورزی و اداره شیلات تنظیم شده است.

اطلاعات میدانی به صورت نمونه‌گیری در ۳۹ روستای دارای شورای اسلامی صورت گرفته است. براساس اطلاعات اداره جهاد کشاورزی در سال ۱۳۸۵، کل اراضی زراعی در بخش مرکزی شهرستان لنگه ۳۶۳۲ هکتار و کل اراضی باغی و نخلستان ۱۴۹۲ هکتار است. بیشترین سهم از اراضی زراعی و باغی نیز متعلق به دهستان حومه است. بیشترین سطح زیرکشت در بخش مرکزی بندر لنگه مربوط به محصول جو دیم بوده که در حدود ۳۹ درصد از کل سطح زیر کشت را به خود اختصاص داده، سپس محصول تنباکو با ۳۴/۵ درصد دومین جایگاه را به دست آورده است. کمبود آب مهم‌ترین محدودیت منطقه است و خشکسالی‌های پی‌درپی کشاورزی را با تهدیدهای جدی مواجه ساخته است. براساس برداشت‌های میدانی، بیش از ۹۰ درصد روستاییان منطقه میزان آب موجود را برای کشاورزی کافی نمی‌دانند. از میان مشکلاتی که در بخش آبیاری مطرح گردید، عمدتاً به خشکسالی و پس از آن به نبود برق و فقر سفره‌های زیرزمینی اشاره شده است. منابع آب بخش مرکزی بندر لنگه شامل آب چاه (عمیق و نیمه‌عمیق)، قنات و چشمه است که به ترتیب ۸۲ حلقه چاه، ۴ رشته قنات و ۱۴ دهنه چشمه را در بر می‌گیرد و حکایت از استفاده فراوان از سفره‌های آب زیرزمینی در محدوده مورد مطالعه دارد.

بیشترین میزان تولید در منطقه مربوط به محصول خرماس است. تولید سالانه این محصول در بخش مرکزی شهرستان لنگه حدود ۷۰۰۰ تن است. بیشترین میزان تولید سالانه این محصول نیز در دهستان حومه در حدود ۲/۵ تن در سال برآورد می‌شود. پیاز با ۷۴۸ تن تولید سالانه، دومین محصول تولید این منطقه به‌شمار می‌آید. لیموشیرین و نارنگی محصولاتی هستند که تنها در دهستان مهران تولید می‌شوند و پایین‌ترین میزان تولید سالانه در منطقه تخصصی نیز مربوط به این دو محصول است. باغ و قلمستان دیم بیشترین تعداد بهره‌برداران را در بخش مرکزی شهرستان لنگه به خود اختصاص داده است.

دامداری و پرورش طیور در منطقه عمدتاً به صورت معیشتی انجام می‌شود. بهره‌برداران دامدار تقریباً به صورت همگن و یک‌دست در کل بخش پراکنده شده‌اند. با وجود این، دهستان مهران با ۲۸/۸ درصد بیشترین فراوانی و مغویه با ۲۰/۳ درصد کمترین فراوانی را در این زمینه داراست.

ساحلی بودن تعداد زیادی از روستاهای این منطقه، فرصت‌هایی را برای توسعه گردشگری ایجاد کرده است. براساس اطلاعات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان لنگه، جاذبه‌های اصلی بخش مرکزی این شهرستان شامل قلعه مغویه، مدرسه و مسجد عمده دژگان، زیارتگاه خضر، چشمه‌های آبگرم بادون، آسک و ملاچی در روستای گزیر است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین قابلیت اقتصادی منطقه، در زمینه بهره‌برداری از منابع دریایی است.

در نمونه‌گیری انجام شده، بیشترین تعداد شناورها مربوط به گروه شناورهای موتوری کوچک (۵۰۰ شناور) است. بیشترین تعداد این نوع شناورها در دهستان مغویه (۴۱۲ شناور) و کمترین آنها در دژگان (۸ شناور) وجود دارند. تعداد افراد مشغول به کار بر روی این نوع از شناورها نیز به طور متوسط حدود ۴ نفر محاسبه شده است. تعداد شناورهای پارویی محدود است و تنها در دهستان مغویه به چشم می‌خورد. در دهستان مغویه ۹۸ لنج وجود دارد که نشان از ساحلی بودن اکثر روستاهای این دهستان و اتکالی آنها به اقتصاد صیادی دارد.

میزان صید انواع آبزیان در سال ۱۳۸۵ معادل ۱۴۶۰۰ تن برآورد شده است. تعداد شناورهای صیادی در منطقه ۶۲۵ فروند است و سه بندر فعال صیادی منطقه مورد مطالعه را پوشش می‌دهند. در کل بخش مرکزی ۴۸۵۰ نفر در بخش صیادی و ۷۰۰ نفر در صنایع شیلاتی مرتبط اشتغال دارند. ۶ تعاونی صیادی با ۱۱۰۰ نفر عضو همراه با ۲۱۶ مزرعه

پرورش میگو، بخشی از توان موجود در منطقه را نشان می‌دهد. با وجود این، کمبود منابع مالی و فقدان امکاناتی مانند اسکله، سردخانه، تعاونی و بیمه صیادی و ابزار صید را در کنار مسائلی همچون محدودیت مجوز صید، ضایعات ناشی از انتقال صید به بازار (به دلیل نبود امکانات سردخانه‌ای و فقدان جاده ساحلی) می‌توان از مهم‌ترین مشکلات بخش مرکزی شهرستان لنگه در زمینه صیادی برشمرد. گرگوربافی، تولید تن ماهی، شناورسازی، یخ‌سازی، سردخانه، بلوک‌زنی، تولید شن و ماسه و جوشکاری از مجموعه صنایع و کارگاه‌های فعال در منطقه به‌شمار می‌آیند. صنایع دستی منطقه نیز عبارت‌اند از: گلدوزی، حصیربافی، لیف‌بافی، قلاب‌بافی، توربافی، زر و گلابتون. با وجود مشارکت مردان در تولید صنایع دستی، نقش زنان در این زمینه بسیار پررنگ‌تر است.

جدول ۲. نظام تحلیل ارزیابی توان‌ها و محدودیت‌های اقتصادی بخش مرکزی شهرستان لنگه

موضوع	نظام اقتصادی	نظام اقتصادی
نقاط قوت (S)	<ul style="list-style-type: none"> - نزدیکی به آب‌های آزاد و امکان توسعه صادرات - قرارگیری در مسیر ساحلی و امکان استفاده از مسیرهای ترانزیتی - توسعه صنعت کشتی و قایق‌سازی سبک و سنگین - نزدیکی به کشورهای حوزه خلیج فارس و امکان استفاده از تجربیات و امکانات و نیز بازار این کشورها - وجود بازارهای مناسب داخلی برای عرضه محصولات صیادی 	<ul style="list-style-type: none"> - توجیه پذیری مکانیزاسیون کشاورزی - وجود واحدهای دامپروری صنعتی و نیمه‌صنعتی - وجود جنگل‌های حراء - نزدیکی به جزایر کیش و قشم و امکان استفاده از این قابلیت برای توسعه گردشگری - وجود اسکله‌های صید در برخی از مناطق - فعال بودن صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش صیادی - وجود تعدادی کارگاه صنعتی - تولید صنایع دستی - وجود منابع معدنی
	نقاط ضعف (W)	<ul style="list-style-type: none"> - تخریب مراتع به وسیله چرای بی‌رویه دام - محدودیت منابع آب - آلودگی‌های زیست‌محیطی - صید غیرمجاز

پس از شناسایی وضع موجود اقتصادی منطقه، از طریق جمع‌آوری اطلاعات از مراکز اطلاعاتی و ادارات و سازمان‌های دولتی مستقر در منطقه و نیز تدوین اطلاعات حاصل از پیمایش میدانی، توان‌ها و محدودیت‌های منطقه در قالب مدل SWOT تجزیه و تحلیل شده است. جدول ۲ توان‌ها و محدودیت‌های اقتصادی بخش مرکزی شهرستان لنگه را نشان می‌دهد.

در مرحله بعد و براساس چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی، اهداف موردنظر در مسیر تحقق چشم‌انداز ۱۰ساله در سه سطح بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت (ضربتی) ترسیم شد (جدول ۳). همانند مرحله پیشین، این مرحله نیز در فرایندی مشارکتی و با نظر اهالی روستاهای هر دهستان انجام گرفت.

جدول ۳. تبیین اهداف توسعه اقتصادی در چشم‌انداز ۱۰ساله در بخش مرکزی شهرستان لنگه

اهداف کوتاه‌مدت	اهداف میان‌مدت	هدف بلندمدت
<ul style="list-style-type: none"> - حل اختلافات میان اهالی روستاها و اداره منابع طبیعی در مورد زمین‌های مورد مناقشه - افزایش شناخت مسئولان و کارشناسان از مسائل و مشکلات مربوط به روستاها - بهبود خدمات دامپزشکی - شناسایی سواحل مناسب برای ایجاد امکانات اولیه فراغتی و تفریحی 	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش تولیدات کشاورزی - بهره‌وری بهینه از منابع آب سطحی و زیرزمینی - توسعه امکانات زیربنایی مورد نیاز بخش کشاورزی - حفاظت از منابع آب و خاک - بهبود کیفی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی - توسعه دامپروری سازگار با شرایط و قابلیت‌های منطقه - حفظ و تقویت ذخایر آبزیان - افزایش بهره‌وری در بخش صیادی - ارتقای جایگاه صیادی در زندگی ساکنان منطقه - حمایت از صنایع دستی منطقه - بهره‌برداری از منابع معدنی - بهره‌برداری از ظرفیت‌های گردشگری منطقه 	<ul style="list-style-type: none"> - اقتصاد پویا و اشتغال سالم با بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های طبیعی، بر پایه مزیت‌های نسبی و بهره‌گیری از روش‌های جدید

راهبرد مداخله، که در واقع برآیند مطالعات انجام‌شده در مراحل قبل بوده است، پایه و اساس کار در رسیدن به چشم‌انداز ترسیم‌شده قرار می‌گیرد. چشم‌انداز اقتصادی ترسیم‌شده برای بخش مرکزی شهرستان لنگه براساس چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی، عبارت است از اقتصاد توسعه‌یافته و محیط زیست پایدار بر پایه مشارکت‌های مردمی.

بر این اساس، راهبرد اقتصادی بخش مرکزی شهرستان لنگه در افق چشم‌انداز ۱۰ساله چنین تدوین شد: «افزایش رشد اقتصادی با تکیه بر قابلیت‌های انسانی و طبیعی، توانمندسازی نیروی انسانی ساکن از طریق بهره‌گیری از تمامی جنبه‌های مشارکتی منطقه اعم از توسعه مدیریت امروزین روستایی، گسترش تعاونی‌ها و تأمین حضور اجتماعی زنان». با توجه به قابلیت‌های اقتصادی - به‌ویژه در بخش صیادی و کشاورزی - می‌توان گفت که توسعه اقتصادی منطقه می‌بایست با اولویت بهره‌گیری از منابع دریایی و صید آبزیان و نیز استفاده از امکانات کشاورزی و توسعه گردشگری و صنایع همراه باشد. در این مرحله، پس از شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مطرح در زمینه مسائل اقتصادی در منطقه مورد مطالعه، ماتریس راهبردهای اقتصادی براساس اهداف تعریف‌شده، استخراج شد. ماتریس

SWOT با مقایسه نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌ها، چهار نوع راهبرد ارائه می‌کند. راهبردهای ¹SO، راهبردهای ²WO، راهبردهای ³ST و راهبردهای ⁴WT. استخراج راهبردهای ممکن، از طریق ماتریسی که از تقابل و تعامل عوامل درونی و بیرونی شکل می‌یابد، صورت می‌گیرد. این ماتریس در جدول ۴ ارائه شده است. در این بخش، به منظور اولویت‌بندی راهبردهای تدوین شده، از «روش ارزیابی گولر» استفاده شد. برای ارزیابی همه‌جانبه راهبردها، با در نظر گرفتن الزامات محیطی - اکولوژیک، جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و خدمات اقتصادی و پشتیبان تولید؛ اصول رویکرد حاکم بر طرح؛ ارزش‌ها و مؤلفه‌های توسعه مطلوب و اثربخشی راهبردها در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت در ابعاد مختلف مورد انتظار، به ارزیابی راهبردهای مختلف در بخش‌های مختلف مطالعه پرداخته شد.

جدول ۴. نظام تحلیل راهبردهای اقتصادی بخش مرکزی شهرستان لنگه

راهبردهای معطوف به نقاط قوت (SO)	راهبردهای معطوف به فرصت‌ها (WO)
<ul style="list-style-type: none"> - توسعه صید صنعتی - ارتقای مهارت‌های شاغلان بخش صیادی - بهبود ابزار و روش‌های بخش صیادی - بهبود وضعیت بازاریابی محصولات دریایی - بهبود روش‌های نظارت بر بخش صیادی - توسعه زیرساخت‌های بخش صیادی - توسعه و بهبود کارگاه‌های ساخت شناور - توسعه شیوه‌های آبیاری تحت فشار - بهبود وضعیت بازاریابی محصولات کشاورزی - توسعه واحدهای صنعتی و نیمه‌صنعتی پرورش دام و طیور - ایجاد بستر مناسب برای استفاده از ظرفیت‌های توریستی منطقه به‌ویژه سواحل و جنگل‌های حراء - ایجاد زمینه‌های مناسب برای افزایش مدت حضور مسافران عبوری در منطقه - توسعه صنایع دستی 	<ul style="list-style-type: none"> - توسعه کشت محصولات مقاوم در برابر کم‌آبی - کنترل آب‌های سطحی و بهبود عملیات آبخیزداری - افزایش حضور کارشناسان و مسئولان کشاورزی در روستاها - افزایش نیروهای متخصص بخش کشاورزی - برگزاری دوره‌های آموزشی در خصوص صنایع دستی - شناخت و معرفی ظرفیت‌های گردشگری در منطقه - برگزاری دوره‌های آموزشی در خصوص صنایع دستی - ایجاد واحدهای صنعتی زودبازده
راهبرد به حداقل رساندن نقاط ضعف (ST)	راهبرد پرهیز از تهدیدها (WT)
<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی منابع جدید برای فعالیت در بخش صیادی - توسعه شیوه‌های جدید پرورش آبزیان در دریا - توسعه فعالیت‌های مرتعداری - توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صیادی 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از استقرار صنایع - توسعه خدمات بیمه در بخش کشاورزی - کاهش ضایعات محصولات کشاورزی - کنترل بیماری‌های دامی

۱. بهره جستن از نقاط قوت، برای استفاده از فرصت‌ها
۲. بهره جستن از فرصت‌ها، برای از بین بردن نقاط ضعف
۳. احتراز از تهدیدها برای استفاده از نقاط قوت
۴. کاهش نقاط ضعف برای پرهیز از تهدیدها

معیارهای مورد استفاده اینها هستند: تحقق‌پذیری، اثربخشی، عدالت اجتماعی، اشتغال‌زایی، اعتلای فرهنگی و اجتماعی، رشد اقتصادی و سازگاری با محیط زیست. با توجه به آنکه هریک از این معیارها دارای ارزش‌های متفاوتی هستند، بر مبنای میزان همسویی با چشم‌انداز، اهداف، راهبرد مداخله و میزان انطباق با آنها و نیز براساس تحلیل صورت گرفته از شرایط حاکم بر دهستان‌های منطقه، ضریبی از ۱ تا ۵ برای هر کدام در نظر گرفته شده که نشان‌دهنده اهمیت و نقش آن معیار در توسعه اقتصادی منطقه است (جدول ۵).

جدول ۵. معیارهای انتخابی برای ارزیابی راهبردهای پایه

معیارها	ضرایب
امکان‌پذیری	۵
اثربخشی	۴
عدالت اجتماعی	۴
اشتغال‌زایی	۵
اعتلای فرهنگی و اجتماعی	۲
رشد اقتصادی	۵
سازگاری با محیط زیست	۴

معیار امکان‌پذیری به میزان وجود امکانات برای تحقق راهبردها اشاره دارد. با توجه به آنکه منطقه مورد مطالعه با کمبودها و ضعف‌هایی در ابعاد مختلف روبه‌رو است، این معیار اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. راهبرد مناسب می‌بایست تأثیرات مستقیمی بر روی زندگی مردم منطقه و توسعه آن داشته باشد. میزان تحقق عدالت اجتماعی از جمله موضوعاتی است که در واقع نوعی ملاک برای ارزیابی توسعه محسوب می‌شود. منظور از عدالت اجتماعی در اینجا آن است که منافع ناشی از راهبرد مورد نظر تا چه اندازه جمعیت منطقه را تحت پوشش قرار می‌دهد.

از مشکلات عمده کشور و منطقه مورد مطالعه، مسئله بیکاری است. به همین دلیل یکی از معیارهای ارزیابی راهبردها، میزان تأثیر آن در ایجاد اشتغال است و راهبرد مطلوب می‌بایست اعتلای فرهنگی و اجتماعی مردم منطقه را موجب شود.

رشد اقتصادی از مؤلفه‌های اصلی رسیدن به توسعه به‌شمار می‌آید. از این رو، میزان تأثیر هر کدام از راهبردها در اعتلای فرهنگی و اجتماعی، به‌عنوان معیار انتخاب شده است و راهبرد مناسب باید واجد ویژگی پایداری و سازگاری با محیط زیست باشد.

مبنتی بر داده‌های جدول ۶، راهبردهای نهایی براساس میزان امتیاز دریافتی با توجه به معیارهای انتخابی اولویت‌بندی شده‌اند. در مراحل بعدی، پروژه‌هایی که براساس راهبردهای مهمتر استخراج می‌شوند، از نظر اجرایی در اولویت قرار می‌گیرند. به عبارتی، پروژه‌هایی که با توجه به امکانات مالی و ساختاری و نیز با توجه به محدودیت‌های زمانی اولویت‌دار تشخیص داده می‌شوند، در واقع پروژه‌هایی هستند که در کوتاه‌ترین زمان ممکن، بیشترین بازخورد را در توسعه اقتصادی منطقه دارند. بر این اساس پروژه‌ها در سه گروه درجه یک، درجه دو و درجه سه تقسیم‌بندی شده‌اند.

جدول ۶. ارزیابی راهبردهای اقتصادی بخش مرکزی شهرستان لنکه

امتیاز	راهبرد	امتیاز	راهبرد
۱۹۴	ایجاد زمینه‌های مناسب برای افزایش مدت حضور مسافران عبوری در منطقه	۲۲۱	توسعه خدمات بیمه در بخش کشاورزی
۱۸۷	توسعه صید صنعتی	۲۱۲	توسعه شیوه‌های آبیاری تحت فشار
۱۸۷	توسعه فعالیت‌های مرتعداری	۲۱۱	توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صیادی
۱۸۵	توسعه زیرساخت‌های بخش صیادی	۲۱۱	توسعه صنایع دستی
۱۸۵	کاهش ضایعات محصولات کشاورزی	۲۱۰	کنترل آب‌های سطحی و بهبود عملیات آبخیزداری
۱۸۳	توسعه و بهبود کارگاه‌های ساخت شناور	۲۰۵	افزایش حضور کارشناسان و مسئولان کشاورزی در روستاها
۱۸۳	شناسایی منابع جدید برای فعالیت در بخش صیادی	۲۰۹	برگزاری دوره‌های آموزشی درخصوص صنایع دستی
۱۸۰	توسعه واحدهای صنعتی و نیمه‌صنعتی پرورش دام و طیور	۲۰۸	ایجاد واحدهای صنعتی زودبازده
۱۸۰	ایجاد بستر مناسب برای استفاده از ظرفیت‌های توریستی منطقه به‌ویژه سواحل و جنگل‌های حراء	۲۰۴	بهبود وضعیت بازاریابی محصولات دریایی
۱۷۹	بهبود روش‌های نظارت بر بخش صیادی	۲۰۰	افزایش نیروهای متخصص بخش کشاورزی
۱۷۴	کنترل بیماری‌های دامی	۲۰۰	شناخت و معرفی ظرفیت‌های گردشگری منطقه
۱۷۳	بهبود ابزار و روش‌های بخش صیادی	۲۰۱	توسعه شیوه‌های جدید پرورش آبزیان در دریا
۱۷۰	توسعه کشت محصولات مقاوم در برابر کم‌آبی	۱۹۷	ارتقای مهارت‌های شاغلان بخش صیادی
۱۵۸	کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از استقرار صنایع	۱۶۹	بهبود وضعیت بازاریابی محصولات کشاورزی

همان‌گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، راهبردهایی نظیر توسعه خدمات بیمه در بخش کشاورزی، توسعه شیوه‌های آبیاری تحت فشار، توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صیادی، کنترل آب‌های سطحی و بهبود عملیات آبخیزداری، افزایش حضور کارشناسان و مسئولان کشاورزی در روستاها، ایجاد واحدهای صنعتی زودبازده و بهبود وضعیت بازاریابی محصولات دریایی، بیشترین امتیاز را به دست آورده‌اند. نگاهی به واقعیات موجود در منطقه نیز نشان از آن دارد که اقداماتی که در راستای این راهبردها انجام می‌شوند، باید در اولویت قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

این مطالعه در مسیر روش‌شناسی برنامه‌ریزی راهبردی، یعنی حرکت از «ترسیم چشم‌انداز» تا «تدوین پروژه»، با تکیه بر ارزش‌های پژوهشی مشارکتی و با رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی، نشان داد که با مشارکت مردم می‌توان برنامه دقیقی را برای یک ناحیه جغرافیایی تدوین کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از نظرها و راهبردهای کارشناسی پس از ارائه به مردم و کسب نظر آنها تصحیح می‌شود و یا به کلی تغییر می‌یابد. ایجاد ارتباط عمیق و پایداری با مردم

محلی، مستلزم داشتن مهارت‌های خاصی است که تنها با معلومات کارشناسی عادی حاصل نمی‌شود. صداقت، انعطاف‌پذیری، ساده حرف زدن، توانایی جلب اطمینان و اعتماد روستاییان و تواضع و بردباری از ویژگی‌های لازم برای ایجاد ارتباطی موفق و ثمربخش است.

تفاوت این مطالعه با مطالعات کارشناس محور آن است که علاوه بر آنکه نظر مردم را در تدوین راهبردها دریافت کرده، زمینه جلب همکاری آنان در اجرای پروژه‌های توسعه‌ای را نیز به‌صورتی تأثیرگذار فراهم خواهد کرد، زیرا با این شیوه نیازهای مردم محلی به‌درستی شناسایی شده است و در پاسخگویی به این نیازها خود آنها پیش‌قدم خواهند شد و این یعنی «برنامه‌ریزی با مردم و برای مردم». بدین ترتیب با تأکید بر مشارکت مردم در پژوهش، توجه اساسی معطوف به واگذاری مسئولیت‌ها به مردم از طریق افزایش مشارکت مدنی و نیز از طریق واگذاری به بخش خصوصی است.

منابع

- ازکیا، مصطفی و همکار، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی فرهنگی روستاها، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، تهران.
- برایسون، جان. ام. برنامه‌ریزی راهبردی برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی، ترجمه عباس منوریان، چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، ۱۳۸۱، نظریه‌های توسعه روستایی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۲، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- جمعه‌پور، محمود، ۱۳۸۴، برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- حامد مقدم، احمد، ۱۳۷۳، مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی، ج ۲، انتشارات سمت، تهران.
- حکمت‌نیا، حسن و همکار، ۱۳۸۵، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، چاپ اول، انتشارات علم نوین، یزد.
- داوری، دردانه، ۱۳۸۳، مدیریت راهبردی ویژه سازمان‌های غیردولتی، چاپ اول، انتشارات برگ زیتون، تهران.
- دی‌یاس، هیران و بی.دلیو ای. ویکرامانایاک، ۱۳۶۸، درسامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی، چاپ اول، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، مکتب‌ها و نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ اول، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
- شریعی، محمدتقی، ۱۳۸۳، چالش‌های برنامه‌ریزی مشارکتی محلی (روستایی) در ایران، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی؛ چالش‌ها و چشم‌اندازها، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، صص ۳۳۷-۳۵۷.
- صرافی، مظفر، ۱۳۷۷، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، چاپ اول، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- صرافی، مظفر، ۱۳۸۳، نظام اداری مردمی: زمینه‌ساز توسعه جامعه روستایی ایران، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی؛

- چالش‌ها و چشم‌اندازها، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، صص ۹۹-۱۲۴.
- طالب، مهدی، ۱۳۷۱، مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- طهماسبی، اصغر و همکار، ۱۳۸۳، عبور از برنامه‌ریزی متمرکز از طریق توانمندسازی جوامع محلی، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی؛ چالش‌ها و چشم‌اندازها، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، صص ۱۹۳-۱۸۱.
- عابدی سروستانی، احمد، ۱۳۸۵، جایگاه ترویج در توسعه با تأکید بر مشارکت، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۳۶.
- فرشادگر، ناصر، پژوهش مشارکتی، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، چاپ اول، تهران.
- قاسمی، محمدعلی، ۱۳۸۴، بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی، نشریه روستا و توسعه، سال هشتم، شماره ۴، صص ۷۹-۱۱۲.
- محب‌علی، داود، ۱۳۷۲، مدیریت راهبردی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- مرادی حسینی، وراز، ۱۳۸۴، برنامه‌ریزی استراتژیک و کاربرد آن در شهرسازی ایران، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- مرادی حسینی، وراز، ۱۳۸۱، برنامه‌ریزی استراتژیک در کلان‌شهرها، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲، سرشماری عمومی کشاورزی.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن، ۱۳۸۲، برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
- Berardi & Donnelly, 1999, **Rural Participatory Research in Alaska: The Case of Tanakon Village**, Journal of Rural Studies, pp. 171-178.
- Bernroider, Edward, 2002, **Factors in SWOT Analysis Applied to Micro, Small-to- Medium, and Large Software Enterprises: An Austrian Study**, European Management Journal, pp. 45-59.
- http://en.wikipedia.org/wiki/Strategic_management.
- Kurttila, Mikko, 2000, **Utilizing the Analytic Hierarchy Process (AHP) in SWOT Analysis: A Hybrid Method and Its Application to a Forest Certification Case**, Forest Policy and Economics, PP. 32-43.
- Terrados, J. & Almonacid, G., 2007, **Regional Energy Planning Through SWOT Analysis and Strategic Planning Tools: Impact on Renewables Development**, Journal of Renewable and Sustainable Energy Reviews, pp. 1275-1287.
- Yükse, İhsan and Metin Dagdeviren, 2007, **Using the Analytic Network Process (ANP) in a SWOT Analysis - A Case Study for a Textile Firm**, Journal of Information Sciences, Vol. 177, Issue 16, Aug., pp 3364-3382